

نیویورک تایمز:

پمپئو وزارت خارجه آمریکا را بی‌آبرو کرده است

دیدن بی‌حرمتی به نشان وزارت خارجه آمریکا، هولناک است. مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا هیچ وجدانی ندارد، بنابراین گمان نمی‌کنم به نظر او تسویه حساب با جان بولتون، مشاور اسبق امنیت ملی، تحت نشان وزارت خارجه آمریکا کار اشتباهی بوده باشد؛ یک بی‌حرمتی به افتخار هر یک از افسران سرویس خارجه را اجر کوهن، ستون‌نویس نیویورک تایمز در تحلیلی برای این روزنامه نوشت: پمپئو در یک بیانیه کتبی رسمی، بولتون را خائن خواند و او را به پراکندن دروغ، نیمه-حقیقت تحریف شده و کذب محض در کتاب جدیدش، اتاقی که در آن اتفاق افتاد، متهم کرد. پمپئو به بیانیه خود، تیتري در خور سنت قلدری دولت ترامپ داد: من هم در اتاقی بودم! اینکه پمپئو با رفتار ننگین خود با ماری یوانوویچ، سفیر سابق اوکراین - کسی که او افسدای راضی کردن طلب ترامپ برای به گند کشیدن جو بایدن، نامزد دموکراتیک احتمالی ریاست جمهوری، کرد- برای وزارت خارجه رسوایی به بسار آورده، نیمه-حقیقت تماماً تحریف شده نیست؛ خود حقیقت است. این هم نیمه حقیقت تماماً تحریف شده نیست، بلکه حقیقت است که پمپئو در چاپلوسی‌اش برای ترامپ، آمریکا را برای نخستین بار از سال ۱۹۴۵ تاکنون، راهمایی کرده تا در مواجهه با بحران‌های بزرگ جهانی، آسمان ریسمان بیافد؛ نمونه آن، اینکه اصرار دارد به جای یکی شدن با متحدانش، بیماری همه‌گیر را ویروس ووهان بماند. پمپئو، که چنان در گیر خیال‌واهی تغییر رژیم در ایران است که چشمانش نسبت به تأثیر بیماری همه‌گیر در آنجا کور شده، کسی که چنان در ناز پرورده کرده محمدبن‌سلمان، ولیعهد عربستان سعودی اصرار ورزیده که مسئولیت قتل روزنامه‌نگار واشنگتن پست را هم از او سلب کرده، مردی است که قبل از خائن نامیدن دیگری، باید خیلی محکم و به مدت طولانی به خود در آینه نگاه کند. کناره‌گیری از ارزش‌هایی که وزارت خارجه طرفدار آن است، نشان تصدی او در سمتش است. خطرناک و در عین حال ناراحت‌کننده است که از کلمات پمپئو استفاده کنیم؛ چرا که او به اعتبار وزارت خارجه، که از پس قرن‌ها خدمت‌رسانی و فداکاری نباشد، لطمه شدیدی وارد کرد. در هر صورت دروغ، یک کذب آشکار است و نمی‌دانم که چطور یک نیمه-حقیقت می‌تواند تماماً تحریف شود. اهمیتی ندارد. پمپئو می‌داند خدمت‌رسان رئیس جمهوری است که مرامش خلاف حقیقت است.



من تعاملی با بولتون ندارم. تمایل طولانی‌اش برای بمباران کردن ایران (که اخیراً ترامپ آن را فرو نمانده، تحقیر اتحادیه اروپا، بیزار شدنش از سازمان ملل و عزلش از دیپلماسی، نشانه‌هایی از جنگ طلبی خصمانه او همراه با باور دون کیشوتی به خودش است. بولتون، مثلی از به رخ کشیدن نرینگگی است. اینکه هر لیبرالی که هدفش رهایی از ترامپ است، آماده احترام به او باشد، تعبیری از هزیان دوران ماست. هیچ یک از مطالبی که از کتاب بولتون نقل شده، مرا به تعجب و نمی‌دارد؛ نه هرج و مرج دولت، نه ناز پروردگی دیکتاتورهابه دست رئیس جمهور، و نه حتی اینکه ترامپ از چین خواسته از آمریکا محصولات کشاورزی بخرد تا احتمال انتخاب مجددش بالا برود. ضمن ادای احترام به یک میلیون اوغور در اردوگاه‌های کار اجباری چین، بولتون می‌گوید ترامپ حامی ششی چینپینگ، رئیس جمهور چین است. ترامپ گفت ششی باید در ساختن کمپ‌های کار اجباری پیش برود چراکه از نظر ترامپ، این دقیقاً کار صحیحی است که باید انجام شود. ما می‌دانیم که ترامپ، دیکتاتورها از دیکتاتور مجارستان گرفته تا عربستان سعودی را دوست دارد. ما می‌دانیم که او حسرت قدرت‌های اتوکراتیک ششی و پوتین را می‌خورد. ما می‌دانیم پمپئو کسی است که بدترین غرایز ترامپ را در سطح بین‌المللی عملی کرده است. اگر افشا، معنی فراتری از اضافه کردن اطلاعات پست به یک روایت جافتاده نداشته باشد، در کتاب بولتون هیچ گونه افشاگری وجود ندارد!

نگاهی به دور جدید مذاکرات آمریکا و روسیه درباره کنترل تسلیحات هسته‌ای

توافق و جدال مستشارها!



فرشاد گلزاری

مساله ساخت و استفاده از تسلیحات هسته‌ای از دیرباز یکی از معضلاتی است که همواره صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و هم‌اکنون هم این مساله به عنوان یک چالش جهانی مورد نظر بسیاری از تحلیل‌گران، نهادها و مسئولان سیاسی - امنیتی دنیا است. شاید برای بسیاری از مخاطبان این سوال پیش بیاید که چرا موضوع تسلیحات هسته‌ای (اعم از تحقیقات، ساخت، توسعه و استفاده از آن) همچنان به عنوان یک تهدید بین‌الملل مدنظر است؟ مگر قرار است هیروشیما یا ناکازاکی دیگری رخ دهد و هزاران نفر به کام مگر کشیده شوند؟ پاسخ این سوال‌ها در ابتدای امر منفی خواهد بود؛ اما واقعیت این است که سلاح اتمی و مشتقات آن اعم از فناوری یا علوم هسته‌ای و هر آنچه که در این حوزه به مرور زمان خلق شده، در عرف بین‌الملل به عنوان یک امتیاز مهم محسوب می‌شود اما در ادبیات و ساختار سیاسی (به خصوص روابط بین‌الملل)، این موضوع یک ابزار

برتری خطرناک به حساب می‌آید که می‌تواند بحران آفرین باشد. همه می‌دانیم زمانی که انفجار بمب‌های هسته‌ای در هیروشیما یا ناکازاکی در سال ۱۹۴۵ به وجود آمد حدود ۳۰۰ هزار نفر یا در یک لحظه از بین رفتند یا به مرور زمان بر اثر و خیم شدن تأثیر تشعشع‌ها کشته شدند و همین مساله باعث شد تا جامعه ملل به این فکر بیافتد که چرا بشر باید تاوان ماجراجویی قدرت‌های بزرگ دنیا را بدهد. مساله جالب این است که بسیاری از ناظران و حتی کارشناسان مسائل اتمی معتقدند که پیامد هیروشیما و ناکازاکی آنقدر وخیم بود که ما چند ماه بعد (سال ۱۹۴۶) شاهد شروع جنگ سرد میان دو بلوک شرق و غرب بودیم. این تحلیل اگر درست باشد یا غلط، خللی بر ماهیت مخاطره‌آمیز بودن تسلیحات هسته‌ای و اتمی وارد نمی‌کند، اما مساله این است که جنگ سرد تا حد زیادی رقابت تسلیحاتی را دامن زد و تسلیحات هسته‌ای هم از این امر مستثنی نبودند. نبرد آمریکا و روسیه در این عرصه به جایی کشید که در سال ۱۹۶۳ میلادی «پیمان فضای بیرونی و زیر آب» یا به عبارت

معمول پیمان منع جزئی آزمایش هسته‌ای هدف کنترل تسلیحات هسته‌ای در روسیه تصویب شد. تا ۱۵ آوریل ۱۹۶۳ (۶ ماه پس از اجرایی شدن پیمان) بیش از ۱۰۰ کشور به این پیمان پیوسته و ۳۹ کشور آن را تصویب یا موافقت خود را با آن اعلام کردند. تا سال ۲۰۱۶ هم ۱۲۶ کشور به این پیمان پیوسته و ۱۰ کشور آن را امضا کردند ولی در داخل کشور خود آن را تصویب نکرده‌اند. ۶۹ کشور از جمله کشورهای صاحب بمب هسته‌ای مانند چین، فرانسه و کره شمالی هم این پیمان را امضا نکرده‌اند. منازعات در حوزه هسته‌ای پس از تصویب این پیمان فروکش نکرد و اوضاع به جایی رسید که مسکو و واشنگتن به رهبری رونالد ریگان و میخائیل گورباچف به این نتیجه رسیدند که باید برای کاهش منازعات موشکی و خصوصاً هسته‌ای چاره‌ای بیاندیشند. در نهایت دو طرف در سال ۱۹۸۷ میلادی «پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد» و «پیمان منع موشک‌های میان‌برد» را در کاخ سفید به امضا رساندند. اینکه محل امضای این توافق در واشنگتن بود نشان می‌دهد که ایالات متحده توانست در آن مقطع زمانی شوروی را وارد کانالی که

اینکه محل امضای پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد در واشنگتن بود نشان می‌دهد که ایالات متحده توانست در آن مقطع زمانی شوروی را وارد کانالی که می‌خواهد بکند؛ اما موضوع این توافق بیش از هر چیز برای دو طرف اهمیت داشت

می‌خواهد بکند اما موضوع این توافق بیش از هر چیز برای دو طرف اهمیت داشت. به گونه‌ای که پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد، تمام موشک‌های هسته‌ای، موشک‌های متعارف و سنک‌های پرتاب آن‌ها را تا فاصله ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ کیلومتر (کوئتا برد) و ۱۰۰۰ تا ۵۵۰۰ کیلومتر (میان‌برد) از دایره فعالیت خارج کرد و همین موضوع دستاوردی است که گورباچف تا همین امروز به آن می‌بالد و معتقد است که او توانست دنیا را از یک تهدید اتمی نجات دهد! در این میان پیمان دیگری با نام «پیمان منع جامع آزمایش‌های هسته‌ای» در سال ۱۹۹۶ توسط مجمع عمومی

سازمان ملل متحد به تصویب رسید اما باز هم نتوانست به اندازه پیمان منع موشک‌های هسته‌ای میان‌برد در دنیا سر و صدا کند؛ چرا که این پیمان، یک توافق جمعی نبود بلکه، بلکه پیمانی بود که نزاع میان دو قدرت با اندیشه سرمایه‌داری و کمونیستی را به حداقل رساند.

باز تعریف اقدامات اتمی

زمانی که اوباما به روی کار آمد، او و تیمش به این فکر افتادند که باید پیمان جدیدی با روسیه بر سر مسائل استفاده از تسلیحات هسته‌ای منعقد کنند. باراک اوباما در واشنگتن و دمیتري مدودف در مسکو به این نتیجه رسیده بودند که می‌توانند میراث کورباچف و ریگان را تغییر دهند و محصل این نظریه در قالب قرارداد جدیدی به نام «استارت نو» نمایان شد.

در سال ۲۰۱۰ دو طرف در پراگ (پایتخت جمهوری چک) توافق کردند که تحت این قرارداد جدید، اجازه دارند حداکثر ۱۵۵۰ کلاهک را در مناطق مورد نظر شان مستقر کنند و این عدد حدود ۳۰ درصد کمتر از محدودیت اعمال شده در سال ۲۰۰۲ بود. در عرف سیاسی به پیمان ریگان و گورباچف عنوان «پیمان استارت» داده شده بود و حالا استارت نو، خون جدیدی در رگ فعالیت‌های هسته‌ای دو طرف به جریان انداخته بود اما منازعه قدرت و وجهات این پیمان توسط ترامپ به هم ریخت. رئیس جمهور آمریکا در ۲۱ اکتبر ۲۰۱۸ اعلام کرد که به دلیل نقض مکرر این پیمان توسط روسیه، آمریکا از پیمان مذکور خارج خواهد شد و در نهایت در ۱ فوریه ۲۰۱۹ میلادی، ایالات متحده به طور رسمی از این پیمان خارج شد و روسیه هم چند روز بعد به همین اقدام دست زد. در اینجا بود که یکباره سر و کله گورباچف در رسانه‌های آمریکا و روسیه پیدا شد. او معتقد بود که ادامه این روند می‌تواند هیروشیماي دیگر را به راه بیندازد، اما به این موضوع اشاره نکرد که دنیای امروز دیگر تک قطبی یا دو قطبی مطلق نیست؛

خبر

طی بیانیه‌ای صورت گرفت؛

دفاع ۶۷ کشور از دیوان کیفری در برابر تحریم‌های آمریکا



تاکید کردند که دیوان کیفری بین‌المللی نهادی است که به عنوان آخرین راه حل مطرح بوده و تنها زمانی که کشورها نتوانند صادقانه رویه‌های ملی خود را اجرا کنند قدم جلوی آن بگذارند. در بیانیه آمده است که ما از همه کشورها می‌خواهیم همکاری کامل با این دیوان داشته باشند تا بتوانند عدالت برای قربانیان را تضمین کنند.

گروهی متشکل از ۶۷ کشور با صدور بیانیه مشترکی در واکنش به تهدیدهای آمریکا به تحریم دیوان کیفری بین‌المللی، بر حمایت‌شان از این نهاد قضایی بین‌المللی تأکید کردند. به گزارش اسپوتنیک، در بیانیه این کشورها عنوان شده است: ما به عنوان اعضای دیوان کیفری بین‌المللی بر حمایت تزلزل‌ناپذیر خودمان از این دادگاه به عنوان یک نهاد قضایی بی‌طرف و مستقل تأکید می‌کنیم. آنها در ادامه این بیانیه اظهار داشتند: ما هر استا با بیانیه مطبوعاتی ۱۱ ژوئن رئیس مجمع کشورهای عضو، بر تعهد خودمان به حفظ اصول و ارزشهای درج شده در اساسنامه و دفاع از آنها و حفاظت از یکپارچگی آن در برابر هر گونه تدبیر یا تهدید علیه دادگاه، مقامهای آن و همکاران با آن تأکید می‌کنیم. امضا کنندگان این بیانیه در عین حال بر این حقیقت

توافق موساد و مصر برای کنترل واکنش اعراب به طرح الحاق

منابع دیپلماتیک و بلند پایه عرب از توافق موساد و دستگاه اطلاعات مصر برای محدود کردن سطح واکنش کشورهای عربی به طرح الحاق کرانه باختری و اکتفای این کشورها به صدور بیانیه بدون هیچگونه اقدام عملی پرده برداشتند. روزنامه عبری زبان اسرائیل هیوم (اسرائیل الیوم) نزدیک به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به نقل از چند مقام دیپلماتیک بلند پایه و مقامات ارشد دستگاه‌های امنیتی مصر و دستگاه اطلاعات اردن فاش کرد که تماس‌های محرمانه میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی به ویژه مصر و اردن با هدف کاهش سطح واکنش‌ها به اجرای طرح الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری به اراضی اشغالی همچنان ادامه دارد. طبق گفته منابع مذکور، تماس‌ها با کشورهای عربی در بالاترین سطح و به شدت محرمانه از طریق دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و مشخصاً میان یوسی کوهن، رئیس موساد و عباس کامل، رئیس دستگاه اطلاعات مصر در جریان است.

